

۴. تسانخ، ملاک چینش گزاره ها کنار یکدیگر :

در تعریف امام، آنچه باعث چینش قضایای یک علم در کنار یکدیگر می شود، سنخیت ذاتی قضایا است. این قول در مقابل ۷ قول اصلی دیگر است، در اینجا به اشاره کلی به این اقوال بسنده می کنیم و تبیین آنها را در بحث تمایز علوم بی می گیریم.

۴,۱. قضایای یک علم دارای موضوع واحدی هستند. (جزئی یا جزء موضوع واحد می باشند)

قائل : ارسطو

مثال : علم نحو ؛ اسم و فعل و حرف، مصادیق کلمه هستند.

علم جغرافیا ؛ ایران ، آسیا و دریا، جزء کره زمین هستند

۴,۲. قضایای یک علم، دارای محمول واحد هستند.

قائل : مرحوم آیت الله بروجردی

مثال : فلسفه ؛ عقل موجود است، نفس موجود است، حرکت موجود است و ..

۴,۳. قضایای یک علم دارای غرض واحد هستند.

قائل : آخوند خراسانی

۴,۴. گاهی وحدت غرض، گاهی وحدت موضوع و گاهی وحدت محمول، باعث چینش قضایا در کنار یکدیگر می شود.

قائل : مرحوم آیت الله خوئی (حاشیه اجود التقریرات)

۴,۵. قضایای یک علم، دارای وحدت حیثیت هستند

قائل : مرحوم نائینی

۴,۶. تفصیل بین علوم اعتباری و علوم حقیقی (در علوم حقیقی ، ملاک وحدت موضوع است و در علوم اعتباری، ملاک

وحدت غرض است)

قائل : علامه طباطبایی

۴,۷. قضایای یک علم، دارای وحدت در روش هستند.

قائل : به نقل از مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی

نکته ۱ : برای بررسی و نقد هر یک از نظریات لازم است هر یک از آنان را در مبحث تمایز علوم، مطرح نماییم.

نکته ۲ : طبیعی است که پذیرش هر یک از مبانی فوق، در تعریف علم اصول دخالت مستقیم خواهد داشت

